

# پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی در باره‌ی مقدرات برجام رسول آذرنوش

**ندای آزادی:** با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم‌های بین‌المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام قرارداد مثبتی برای کشور ما بود و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

**رسول آذرنوش:** درست است در آن سالها خطر جنگ جدی شده بود اما این فقط خطر جنگ نبود خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای هم جدی شده بود برجام هر دو خطر را از کشور دور کرد بهمین جهت برجام در آن سالها قرار داد مثبتی برای کشور ما بود.

اما حالا شرایط بکلی تغییر کرده است. خطر دستیابی رژیم به سلاح هسته‌ای دستکم برای سالها منتفی شده است چرا که با برجام بخش مهمی از زیرساخت‌های سایت‌های هسته‌ای ایران برچیده شده و مخزن کارخانه آب سنگین اراک بتن ریزی شده است بازگشت به شرایط 2015 برای رژیم ممکن نیست چون این کار به چند سال زمان و یک بودجه کلان نیازمند است و این در حالیست که رژیم با چالش‌های اساسی از جمله با بحران ارزی و مالی بزرگی روبروست. از اینرو در شرایط مشخص کنونی دیگر خطر هسته‌ای شدن رژیم مطرح نیست و من فکر میکنم دیگر خطر حمله نظامی به ایران هم نمیتواند یک خطر جدی محسوب شود.

**ندای آزادی:** در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند برجام میتواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

**آذرنوش:** طرف اصلی ایران در برجام امریکا بوده است. با خروج امریکا از برجام تحریم‌ها علیه ایران بازگشته و از ابان ماه امسال، ایران از نقطه نظر تحریم‌ها دستکم در وضعیت 2015 قبل از امضای برجام قرار خواهد گرفت و دیگر طرفهای برجام هم نمی‌توانند

مانعی جدی در برابر این تحریم ها ایجاد کنند. روسیه خود صادر کننده نفت و گاز بوده و بخاطر انضمام کریمه زیر تحریم های غرب قرار دارد و بنابراین نمیتواند نقش چندانی در شکستن تحریم ها داشته باشد. چین بعنوان یکی از وارد کنندگان اصلی نفت ایران در جنگ تجاری با امریکا قرار دارد. چین در عین حال یکی از صادر کنندگان اصلی کالا به امریکا است و مبادلات تجاری اش با امریکا قابل قیاس با ایران نیست. بنظر میرسد برسر

تحریم های ایران همچون گذشته نوعی سازش و مصالحه بین دو کشور صورت بگیرد و چین در ازای کاهش واردات نفت از ایران از تحریم های بین المللی امریکا معاف گردد.

روابط اتحادیه اروپا و امریکا بعد از روی کار آمدن ترامپ بخاطر هژمونی طلبی امریکا در عرصه سیاسی و دیپلماتیک و پروتکسیونسم در عرصه روابط تجاری با تنش و تیرگی همراه بوده است. تا جائیکه به برجام مربوط میشود مواضع امریکا و اروپا از لحاظ مضمونی کم و بیش یکسان و بر هم منطبق اند. هر دو طرفدار اصلاحات در برجام بویژه در بند معروف به بند غروب، بازرسی های سختگیرانه تر از تاسیسات غنی سازی

محدود کردن فعالیت های موشکی ایران و تغییر سیاست های منطقه ای اش در خاور میانه هستند. اما آنجا که به چگونگی تحقق این هدف ها مربوط میشود آنها رویکرد های متفاوتی را دنبال میکنند. اروپا خواهان حفظ برجام در عین اعمال فشار بر ایران در خارج از کادر این توافق است در حالیکه امریکا با خروج از برجام در پی وارد کردن فشارهای سنگین برای بازگشت ایران به پشت میز مذاکره است. اخبار و اطلاعات ماه های اخیر از جمله خروج کلیه شرکت های بزرگ اروپائی از ایران و عدم معامله بانک های بزرگ اروپائی با ایران نشان دهنده این واقعیت است که اروپا نه میخواهد و نه میتواند در برابر سیاست امریکا مانعی جدی ایجاد کند.

**ندای آزادی:** آیا ملغا شدن برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد ؟

**آذرنوش:** نه بنظر من ملغا شدن برجام و بازگشت تحریم ها بخودی خود باعث سقوط نظام نخواهد شد اما می تواند انرا تسریع کند همانطور که عوامل دیگری مانند فساد سیستماتیک نظام

و یا تضاد و در گیری جناح های رژیم میتوانند در تسریع سقوط رژیم

نقش داشته باشند.

در این میان فاکتور اساسی و تعیین کننده جنبش اعتراضی رادیکال مردم است که از دیماه گذشته در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده و همه معادلات و محاسبات رژیم را بهم ریخته است. پایوران نظام بیش از بازگشت تحریم های امریکا از تبدیل شدن این جنبش به یک انقلاب هراسان اند. طبعاً لغو برجام و بازگشت تحریم ها فشار وارده بر زندگی و معیشت مردم را تشدید میکند اما مسئولیت ان از دید مردم بدرستی متوجه رژیم و سیاست های پان اسلامیستی اش در منطقه است.

**ندای آزادی:** با توجه به قدرت وامکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهائی برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت ؟

**آذرنوش:** در شرایط کنونی جمهوری اسلامی با سه گزینه روبرو خواهد بود. اول بازگشت به میز مذاکرات با ترامپ و دستیارانش برای امضای یک قرار داد جدید. دوم خروج از برجام و تلاش برای احیای غنی سازی با غلظت بالا. و سوم ماندن در برجام با وجود بازگشت تحریم ها .

گزینه اول یعنی پذیرش مذاکره با ترامپ در شرایط کنونی و از موضع ضعف چیزی جز پذیرش خواست های ترامپ و تسلیم شدن به امریکا نیست. این برخلاف عقب نشینی های جمهوری اسلامی مثلا در جریان پذیرش قطعنامه 598 سازمان ملل و یا پذیرش برجام یک عقب نشینی تاکتیکی نیست بلکه یک عقب نشینی استراتژیک است که هیچ نوع سازگاری با ساخت و بافت رژیم ندارد. اگر چه پذیرش چنین گزینه ای در یک شرایط خاص مثلا اوجگیری جنبش اعتراضی مردم منتفی نیست اما با داده های فعلی گزینه احتمالی بنظر نمی رسد.

گزینه دوم یعنی خروج ایران از برجام ، احیای سایت ها و از سرگیری غنی سازی است اما بازگشت به شرایط قبل از برجام چنانکه بالاتر اشاره کردم با توجه به تحریم های سنگین امریکا لااقل در کوتاه مدت برای رژیم امکان پذیر نیست

بعلاوه خروج ایران از برجام بر اساس خود این توافق بمعنای بازگشت تمامی تحریم ها و اعمال ان توسط همه اعضای 1+5 ، بازگشت قطعنامه های شورای امنیت و همچنین قرار گرفتن دو باره ایران زیر فصل هفت منشور سازمان ملل و بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل است. به این دلیل ، علیرغم تهدیدهای خامنه و برخی از سرداران

سپاه ، با توجه به بحران هائی که رژیم را در بر گرفته، بعید است که چنین گزینه ای مد نظر سران رژیم قرار بگیرد

گزینه سوم باقی ماندن در برجام و تداوم اجرای تعهدات ایران برغم بازگشت تحریم ها به امید دور زدن تحریم ها ، مبادلات تهاتری با چین و برخورداری از پاره ای امتیازات در بسته پیشنهادی اروپا تا برکناری ترامپ در انتخابات دو سال نیم آینده ریاست جمهوری امریکاست گزینه ای که محتمل تر بنظر میرسد و مورد حمایت چین و روسیه و اتحادیه اروپاست. اما انتخاب این گزینه هم برای رژیم با چالش تصویب لوایح چهار گانه گروه ویژه اقدام مالی مربوط به مبارزه با جرائم مالی ، پولشوئی و کمک به تروریسم روبروست که رژیم تاکنون از تصویب آن شانه خالی کرده و این در حالیست که بسته پیشنهادی اروپا مشروط به تصویب این لوایح تا ابان ماه توسط رژیم شده است. طبعاً تصویب این لوایح مشکلات بزرگی در پولشوئی داخلی و کمک های مالی به حزب اله لبنان و دیگر گروه های تروریستی خارجی برای رژیم ایجاد میکند.

در شرایط کنونی شواهد و قرائن حاکی از نوسان رژیم در انتخاب بین گزینه دوم و سوم است و جناح بندیهای رژیم حول این مساله به شدت با یکدیگر درگیرند که گوشه هائی از آن در مجلس و یا دیگر ارگان های رژیم خود را نشان میدهند

**ندای آزادی:** اپوزسیون خارج از کشور چه وظایفی در این شرایط بر عهده دارد ؟

**آذرنوش:** واقعیت اینست که رژیم طی سالها بخش بزرگی از ثروت ملی ما را صرف ساختن تاسیسات هسته ای و غنی سازی اورانیوم کرده که هدف آن دستیابی به سلاح هسته ای بوده است و بس.

درحالیکه هسته ای شدن ایران نه از جنبه نظامی و نه حتی از جنبه های اقتصادی وزیست محیطی کوچکترین نقطه اشتراکی با منافع مردم ما ندارد، از این جهت اساس برجام همواره باید مورد نقد و افشاگری اپوزسیون قرار گرفته و شعارهای مخالف با هر نوع غنی سازی و ضرورت برچیده شدن تمام سایت ها و تاسیسات مربوطه از طریق اپوزسیون بدرون جنبش اعتراضی مردم برده شود. کار آگاهگرانه در این رابطه بنظر من یکی از وظایف اصلی بویژه اپوزسیون چپ و مترقی در داخل و خارج کشور است. اما شوربختانه در این شرایط این وظیفه از جانب اپوزسیون عمدتاً مغفول مانده و بدتر از آن ، برجام حتی از

سوی بخشی از اپوزسیون بی هیچ دلیل قابل اعتنائی مورد حمایت قرار دارد .

.

...